

الله أكبر



دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی  
پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد  
در رشته‌ی روان‌شناسی بالینی

### عنوان

پیش‌بینی الگوهای شخصیتی ضداجتماعی، نمایشی و مرزی براساس هیجان‌خواهی و  
سیستم‌های مغزی-رفتاری

### استاد راهنما

دکتر مجید محمود علیلو

### استاد مشاور

دکتر تورج هاشمی

### پژوهشگر

ستاره جانی

تیر ۹۱

الهی حاضری چه جویم، ناظری چه گویم،  
می بینی و می دانی و برآوردن می توانی.  
الهی همه کس می خواهند که در تو بنگرند،  
من می خواهم تو در من بنگری....

اگرشایسته تقدیم باشد، تقدیم به ساحت مقدس  
صاحب عصر، حضرت مهدی "عج".  
پیشکش به درگاه آن عزیز و وجود نازنین که توفیق تدوین  
این مجموعه را ارزانی داشت....

## تقدیر و تشکر

از پدر بزرگواری تشکر می‌کنم، کسی که تمام زحماتش را نثار من کردند، تا آینده‌ای روشن داشته باشم.

همچنین از مادر عزیزم

که، منظومه بلند فضیلتهاست و محبت بی دریغش باعث موفقیت‌م شد.

و

از زحمات بی‌دریغ، تلاش‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای **دکتر مجید محمود علیلو** استاد علم و اخلاقم که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

از استاد بزرگواری جناب آقای **دکتر تورج هاشمی** نیز که با صبر و حوصله فراوان همواره مشاور و راه‌گشای نگارنده در اتمام واکمال این پایان‌نامه بوده‌اند تقدیر و تشکر می‌کنم. همچنین صمیمانه‌ترین مراتب سپاس‌گذاری خود را از تمامی اساتید گروه روان‌شناسی که دو سال افتخار آموختن علم و ادب رادر حضورشان داشتم را دارم.

|  |
|--|
| نام خانوادگی: جانی      نام: ستاره   |
| عنوان پایان نامه: پیش بینی الگوهای شخصیتی ضداجتماعی، نمایشی و مرزی براساس هیجان خواهی و سیستمهای مغزی-رفتاری   |
| استاد راهنما: دکتر مجید محمود علیلو<br>استاد مشاور: دکتر تورج هاشمی  |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد      رشته: روان شناسی      گرایش: بالینی دانشگاه: تبریز<br>دانشکده: روان شناسی و علوم تربیتی تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۱/۴/۳۱ تعداد صفحات: ۷۵   |
| کلمات کلیدی: شخصیت ضداجتماعی، شخصیت نمایشی، شخصیت مرزی، هیجان خواهی، سیستمهای مغزی-رفتاری، سیستم بازداری رفتاری (BIS)، سیستم فعال ساز رفتاری (BAS)   |
| <p><b>چکیده:</b> پژوهش حاضر به منظور پیش بینی الگوهای شخصیت نمایشی، مرزی و ضداجتماعی بر اساس هیجان خواهی و سیستم های مغزی-رفتاری انجام شده است. روش کار: پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی می باشد، که در آن تغییرات متغیرهای ملاک (الگوهای شخصیتی نمایشی، مرزی و ضداجتماعی) بر اساس متغیرهای پیش بین (هیجان خواهی و سیستم های مغزی-رفتاری) مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بود که از این جامعه، تعداد ۳۵۰ نفر بعنوان نمونه به شیوه در دسترس انتخاب شد و سپس از دانشجویان خواسته شد تا پرسشنامه هیجان خواهی زاگرمین - فرم پنجم، پرسشنامه شخصیتی میلون-۳ و مقیاس کارور و وایت را پر کنند. داده های بدست آمده با استفاده از رگرسیون چندگانه تحلیل شد.</p> <p>یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که هیجان خواهی، تنها قادر به پیش بینی الگوی شخصیت نمایشی می باشد. سیستم BAS هر سه الگوی شخصیت مرزی، نمایشی و ضداجتماعی را بصورت مثبت و معنادار پیش بینی می کند. سیستم BIS تنها قادر به پیش بینی مثبت و معنادار الگوی شخصیت مرزی می باشد. الگوی شخصیت مرزی با زیر مقیاسهای سائق، پاسخدهی به پاداش و جستجوی شادی ارتباط مثبت و معناداری دارد و الگوی شخصیت نمایشی تنها با زیر مقیاس پاسخدهی به پاداش و الگوی شخصیت ضداجتماعی با زیر مقیاسهای پاسخدهی به پاداش و سائق ارتباطی مثبت و معنی دار دارد.</p> |

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

|         |                    |
|---------|--------------------|
| ۱.....  | مقدمه              |
| ۲.....  | بیان مسله          |
| ۸.....  | ضرورت واهمیت موضوع |
| ۱۰..... | اهداف پژوهش        |
| ۱۰..... | فرضیه‌ها           |
| ۱۱..... | تعاریف متغیرها     |

### فصل دوم: پیشینه تحقیق

|         |                        |
|---------|------------------------|
| ۱۵..... | الگوهای شخصیت          |
| ۱۵..... | اختلال شخصیت ضداجتماعی |
| ۱۷..... | اختلال شخصیت مرزی      |
| ۱۸..... | اختلال شخصیت نمایشی    |
| ۱۹..... | سیستمهای مغزی-رفتاری   |
| ۲۴..... | هیجان خواهی            |

### فصل سوم: روش پژوهش

|         |                       |
|---------|-----------------------|
| ۳۰..... | طرح پژوهش             |
| ۳۰..... | جامعه آماری           |
| ۳۰..... | نمونه وروش نمونه‌گیری |

ابزارهای جمع آوری اطلاعات..... ۳۰

پرسشنامه بالینی چند محوری میلون -III..... ۳۰

مقیاس هیجان خواهی زاگرمین -فرم پنجم..... ۳۳

مقیاس کارور و وایت..... ۳۳

روش اجرای پژوهش..... ۳۴

### فصل چهارم: روش تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها..... ۳۶

بخش توصیفی..... ۳۶

بخش استنباطی..... ۳۷

### فصل پنجم بحث و نتیجه‌گیری

بحث و تفسیریافته‌های پژوهش..... ۴۷

محدودیت‌های پژوهش..... ۵۵

پیشنهادات پژوهشی..... ۵۵

فهرست منابع..... ۵۶

پیوستها..... ۶۳



## فهرست جداول

- جدول (۱-۴) یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش..... ۳۶
- جدول (۲-۴) نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها..... ۳۷
- جدول (۳-۴) ضریب همبستگی چندگانه و مجذور آن (مرزی و سیستمهای مغزی-رفتاری)..... ۳۸
- جدول (۴-۴) تحلیل واریانس برای معنی داری  $R^2$ ..... ۳۸
- جدول (۵-۴) ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد..... ۳۹
- جدول (۶-۴): ضریب همبستگی چندگانه و مجذور آن (ضداجتماعی و سیستمهای مغزی-رفتاری)..... ۴۰
- جدول (۷-۴) تحلیل واریانس برای معنی داری  $R^2$ ..... ۴۰
- جدول (۸-۴) ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد..... ۴۱
- جدول (۹-۴) ضریب همبستگی چندگانه و مجذور (نمایشی و سیستمهای مغزی-رفتاری)..... ۴۳
- جدول (۱۰-۴) تحلیل واریانس برای معنی داری  $R^2$ ..... ۴۳
- جدول (۱۱-۴) ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد..... ۴۴

فصل اول

کلیات پژوهش

## مقدمه

شخصیت<sup>۱</sup> مفهومی است که هم بصورت عامیانه و هم بصورت کاربردی مورد استفاده قرار می گیرد. هر شخصی خصوصیات، منش، تواناییها و ویژگیهای منحصر بفردی دارد که الگوهای رفتاری، شیوه های پاسخدهی و واکنشهای وی را به محیط درونی و بیرونی نشان می دهد که این خصوصیات شخصیت وی را شکل می دهند (کریمی، ۱۳۸۶). شخصیت را می توان نمایه خاص الگوهای پاسخ رفتاری آشکار در زندگی عادی تعریف کرد، کلیتی که معمولاً ثابت و قابل انتظار است. وقتی این کلیت به گونه ای تغییر می یابد که فراتر از طیف اختلالات بین اکثر مردم است و وقتی صفات شخصیتی، انعطاف ناپذیر و غیرانطباقی بوده و اختلال کارکردی قابل ملاحظه یا ناراحتی ذهنی بوجود آورند، ممکن است تشخیص اختلالات شخصیت مطرح شود (کاپلان و سادوک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). اختلال شخصیت، یک الگوی فراگیر نافذ، بادوام و غیر قابل انعطاف از تجارب درونی و رفتار بیرونی است که به طرز مشخص با انتظارات فرهنگی فرد تفاوت دارد و به درماندگی یا اختلال منجر می شود. طیف محدود تجارب و پاسخهایی که مبتلایان به این اختلال از خود نشان می دهند، اغلب منجر به مشکلات روان شناختی، اجتماعی یا شغلی می شود (APA<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

اختلالهای شخصیت یک اختلال شایع و مزمن است و حدود نصف بیماران روانپزشکی به اختلال شخصیت مبتلا هستند که بطور مکرر با بیماریهای محور یک همراه است (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). درماندگی و مشکلات ناشی از اختلالات شخصیت، در تمام عمر دامن گیر فرد می شود، و انواع این اختلالات صرفنظر از خفیف یا شدید بودن آنها، تمام جنبه های وجود شخص را متاثر می کند و درمان آنها از دشوارترین نوع درمانهای اختلالات روانشناختی می باشد. شیوع اختلالهای شخصیت، ۴-۱۵ درصد تخمین زده می شود (زیمرا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴ نقل از فاتحی زاده، امامی و نجاریان، ۱۳۸۶). همچنین شیوع اختلالهای شخصیت ضداجتماعی<sup>۵</sup>، ۱/۵ تا ۳/۵ درصد (کسلر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴)، مرزی<sup>۷</sup>، ۲٪ (سادوک و سادوک، ۲۰۰۵) و نمایشی<sup>۸</sup>، ۲-۳٪ (نستادت<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰) از جمعیت بزرگسالان برآورد شده است.

<sup>۱</sup>-personality

<sup>۲</sup>-Kaplan&Sadock

<sup>۳</sup>-American psychiatric Association

<sup>۴</sup>-Zimmeraman

<sup>۵</sup>-antisocial

<sup>۶</sup>-Kessler

<sup>۷</sup>-borderline

<sup>۸</sup>-hysterionic

<sup>۹</sup>-Nestadet

## بیان مسئله

DSM-IV<sup>۱</sup> از لحاظ دسته بندی، اختلالات شخصیت را به سه دسته تقسیم می کند. خوشه الف: شامل پارانوئید، اسکیزوئید و اسکیزو تایپال خوشه ب<sup>۲</sup>: شامل مرزی، ضداجتماعی، خودشیفته و نمایشی ج: دربردارنده سه اختلال دوری گزین، وابسته و وسواسی-جبری (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰).

اختلال شخصیت ضداجتماعی با اعمال و رفتار ضداجتماعی و ناتوانی در انطباق با موازین اجتماعی در نوجوان و جوانان مشخص می شود. فریبکاری، رفتار تکانشی<sup>۳</sup> و ناتوانی برای برنامه ریزی از قبل، تحریک پذیری و پرخاشگری، بی احتیاطی نسبت به ایمنی خود و دیگران، نداشتن احساس مسولیت مستمر و فقدان احساس پشیمانی از ویژگیهای این اختلال است (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۰). این اختلال با بی احترامی فراگیر و نقض حقوق دیگران مشخص می شود. شخص باید حداقل ۱۸ سال داشته باشد و قراینی از اختلال سلوک قبل از ۱۵ سالگی در او ظاهر شده باشد (APA، ۲۰۰۴). زمینه یابیهایی حاکی از این است ۱/۵ تا ۳/۵ درصد از جمعیت بزرگسالان به اختلال شخصیت ضداجتماعی مبتلا هستند (کسلر، ۱۹۹۴) و شیوع این اختلال در مردان سه برابر زنان می باشد (رابینز و رگییر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱).

اختلال شخصیت نمایشی، با ویژگیهای خود مهیج سازی فراگیر و مفرط، هیجانات افراطی و توجه طلبی مشخص می شود. روابط بین فردی این بیماران بی ثبات و ناراضی کننده است. طوفانهای غیر عقلانی بودن و یا خشم نیز در آنها شایع است. خصایص، نظرها و باورهای سطحی شان را از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر می دهند و فاقد یک حس مرکزی و هسته ای در وجود خود هستند. این افراد دائم در جستجوی تحریک و هیجان هستند و از نظر هیجانی بی ثبات هستند (APA، ۲۰۰۴). طبق داده های بدست آمده از مطالعه DSM-IV-IR<sup>۵</sup> بر روی جمعیت کلی شیوع اختلال شخصیت نمایشی، حدود ۲ تا ۳٪ است. اختلال شخصیت مرزی با بی ثباتی عاطفی<sup>۵</sup> فراگیر و مفرط، بی ثباتی خود پنداره و روابط بین فردی و نیز تکانشوری قابل توجه مشخص می شود (APA، ۲۰۰۴). این بیماران تغییرات زیادی را در خلقشان تجربه می کنند و نوسانات شدیدی بین حالات افسردگی، اضطراب و تحریک پذیری دارند و مستعد ابتلا به خشم و خصومتند با این حال اغلب، خشمشان متوجه درون شده و به شکل اعمال تکانشی و خود تخریب گرانه ظاهر می شود که می تواند منجر به آسیب شدید بدنی

<sup>۱</sup> - Diagnostic and Statical Manual of Mental Disorders

<sup>۲</sup> - cluster

<sup>۳</sup> -impulsive

<sup>۴</sup> -Robins&Regier

<sup>۵</sup> -affective instability

شود (نستادت، ۱۹۹۰). نرخ شیوع این اختلال ۲٪ جمعیت عمومی را شامل می شود (سادوک و سادوک، ۲۰۰۵).

رویکردهای مختلف هرکدام در چارچوب نظری خاصی، به تبیین تفاوت‌های بین فردی و شخصیت بهنجار و نا بهنجار پرداخته اند. چند دهه اخیر، گستره روانشناسی شخصیت شاهد تلاش‌های نظریه پردازانی بوده است که در پی تبیین تفاوت‌های فردی از طریق متغیرهای دارای مبنای زیست‌شناسی بوده اند. از جمله نظریات جدیدی که در چارچوب رویکردهای زیستی برای تبیین تفاوت‌های شخصیتی مطرح شده است و پژوهش حاضر تاکید ویژه ای بر آنها دارد، نظریه شخصیتی جفری گری<sup>۱</sup> و نظریه هیجان خواهی زاگرم<sup>۲</sup> می باشد.

نظریه گری بسط نظریه آیزنک<sup>۳</sup> می باشد که وی نیز مانند آیزنگ عقیده دارد که بین ابعاد شخصیت و فرایندهای مغزی ارتباط وجود دارد. گری در نظریه حساسیت به تقویت (RST)<sup>۴</sup>، الگوی زیستی خاصی از شخصیت ارائه نمود که شامل ۳ سیستم فعال ساز رفتاری، سیستم بازداری رفتاری و سیستم جنگ و گریز هستند. سیستم فعال ساز رفتاری (BAS)<sup>۵</sup>، رفتار جستجوی پاداش، احساس غرور، و امید به پاداش را به رغم خطر یا تهدید موجود فعال می سازد (پیکرنینگ<sup>۶</sup> و گری، ۱۹۹۹). این سیستم متشکل از دو مولفه روی آورد و اجتناب فعال است. مولفه روی آورد، مشخص کننده رفتارهایی است که بصورت فعالانه در جستجوی پاداش اند و مولفه اجتناب فعال نشان دهنده رفتارهایی است که به منظور اجتناب از تنبیه انجام می شود (ویلسون، بارت<sup>۷</sup> و گری، ۱۹۹۰). گری پایه عصبی این سیستم را فعالیت دستگاه دوپامینی مزولیمبیک می داند (گری، مک ناگتون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). سیستم بازداری رفتاری (BIS)<sup>۹</sup> منجر به اضطراب، بازداری و اجتناب فعل پذیر در پاسخ به نشانه های تنبیه و محرک‌های جدید می شود (گری<sup>۱۰</sup>، مک ناگتون، ۲۰۰۴). دو مولفه سیستم بازداری رفتاری، اجتناب منفعل و خاموشی است. مولفه اجتناب منفعل نشانه عدم فعالیت یا تسلیم فرد برای اجتناب از تنبیه است و مولفه خاموشی، نشانه توقف رفتارهایی است که پاداشی در پی ندارند (ویلسون، گری و بارت، ۱۹۹۰). از لحاظ عصب شناختی

<sup>۱</sup>-Gray

<sup>۲</sup>-Zuckerman

<sup>۳</sup>-Eysenck

<sup>۴</sup>-Reinforcement Sensitivity Theory

<sup>۵</sup>-Behavioral Activation System

<sup>۶</sup>-Pickerning

<sup>۷</sup>-Wilson, Barret

<sup>۸</sup>-McNaughton

<sup>۹</sup>-Behavioral Inhibition System

<sup>۱۰</sup>-Corr

مجموعه ساختهای که کنشهای سیستم بازداری رفتاری را برعهده دارند، در سیستم جداری - هیپوکمپی قرار دارند. سیستم جنگ/گریز/بخت (FFS)<sup>۱</sup>، که در پاسخ به محرک ناخوشایند شرطی و غیرشرطی، رفتار فرار و اجتناب را فعال می‌سازد و از لحاظ ساختاری بیشتر از طریق بادامه و ساختهای هیپوتالاموس تعدیل می‌شود (آزاد فلاح، دادستان، اژه ای و موذنی، ۱۹۹۹).

گری و همکاران (۲۰۰۰) مطرح می‌کنند که میزان فعالیت و غلبه این سیستمها در افراد مختلف متفاوت است و این امر زیربنای تفاوت‌های شخصیتی و در مواردی بیماریهای روانی در افراد است (هارتینگ و موسبروگر؛ به نقل از کر، ۲۰۰۴).

اختلالهای شخصیت خوشه "ب" با ویژگیهای نمایشی<sup>۲</sup>، بی‌نظمی<sup>۳</sup> و بازداری ضعیف مشخص می‌شوند (APA، ۲۰۰۰). چند ویژگی شخصیتی وجود دارد که احتمالاً قسمتی از نیمرخ بازداری بوده و با آسیبهای روانی و اختلالهای بازداری مانند ضداجتماعی ارتباط دارند (نیومن و گرنشتاین<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰). یکی از این ویژگیها، "برانگیختگی"<sup>۵</sup> است. نیمرخ بازداری ممکن است شامل ابعاد برانگیختگی باشد، مانند فعالیت رفتاری و بازداری رفتاری که بطور نظری و تجربی با اختلالهای بازداری ارتباط دارند. این دو بعد برانگیختگی مرتبط با نظریه گری مبنی بر سیستمهای برانگیختگی هستند. بر اساس نظر فاولس<sup>۶</sup> (۱۹۸۰ و ۱۹۸۸) یک سیستم بازداری رفتاری ضعیف و سیستم فعال ساز رفتاری قوی، اختلال شخصیت ضداجتماعی را مشخص می‌کنند. ویژگیهای بالینی اختلال شخصیت مرزی (تکانشوری و بی‌ثباتی عاطفی) این احتمال را برجسته می‌کند که امکان دارد این اختلال شخصیت نیز الگوی مشابهی از فعالیت BAS/BIS را نشان دهد. ولی اختلال شخصیت نمایشی و خودشیفته بیشتر بوسیله رفتار نمایشی مشخص می‌شوند تا بی‌نظمی و رفتار تکانشی، بنابراین ممکن است الگویی از فعالیت BAS/BIS داشته باشند که متفاوت از الگوی فعالیت این سیستمها در اختلال شخصیت مرزی و اجتماعی باشد (به نقل از تیلور، ریوز، جامز و بوبادیللا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶).

تیلور و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند هم در زنان و هم در مردان نیمرخ بازداری (BIS ضعیف و BAS بالا بعنوان ویژگیهای کلیدی این نیمرخ) با خصوصیات برجسته اختلال شخصیت ضداجتماعی و نمایشی مرتبط است در حالیکه در مردان این نیمرخ، با ویژگیهای برجسته اختلال شخصیت مرزی و

<sup>۱</sup> - Fight/Flight system

<sup>۲</sup> -dramatic

<sup>۳</sup> -erratic

<sup>۴</sup> -Newman&Gorenstein

<sup>۶</sup> -Fowels

<sup>۷</sup> -Taylor,Reeves,James&Bobodilla.

خود شیفته نیز مرتبط بود. پاستور، راس، سگارا، مونتانهز، پوی و مولتو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که اختلالهای شخصیت خوشه "ب" بطور مثبت با حساسیت BAS مرتبط می باشد. اختلال شخصیت ضداجتماعی بطور نسبتاً کم با سیستم بازداری رفتاری نیز ارتباطی منفی داشت. اختلال شخصیت خود شیفته علاوه بر ارتباط مثبت با حساسیت BAS ارتباطی منفی نیز با حساسیت سیستم بازداری رفتاری داشت و بین اختلال شخصیت مرزی هم با سیستم فعال ساز رفتاری و هم با سیستم بازداری رفتاری ارتباطی مثبت وجود داشت.

در مطالعه کلائز، ورتومن، اسمیتز و بیجتبیر،<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) همه اختلالهای شخصیت خوشه "ب" با حساسیت بالای سیستم فعال ساز رفتاری مشخص شدند. اختلال شخصیت ضداجتماعی علاوه بر این ارتباط با حساسیت پایین سیستم بازداری رفتاری نیز مشخص شد و اختلال شخصیت مرزی با سطوح بالای سیستم بازداری رفتاری نیز ارتباط داشت.

متغیر پیش بین دیگر پژوهش حاضر، هیجان خواهی<sup>۳</sup> می باشد که بعنوان یک صفت شخصیتی ابتدا توسط آیزنک مطرح شد و سپس زاگرم (۱۹۷۹) آن را بسط داد. زاگرم هیجان خواهی را بعنوان صفتی تعریف کرده که ویژگی آن جستجوی هیجان و تجربه متنوع، تازه، پیچیده و جدید و میل پرداختن به خطرهای بدنی، اجتماعی و مالی به خاطر خود این تجربه ها است (واگنر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). زاگرم هیجان خواهی را بعنوان نیاز افراد برای رسیدن به یک سطح بهینه برانگیختگی و حفظ آن توصیف می کند. به عقیده زاگرم (۱۹۷۹) ساختار هیجان خواهی به مقدار برانگیختگی که دستگاه عصبی مرکزی شخص از منابع بیرونی تحریک نیاز دارد مربوط است و سطح بهینه برانگیختگی افراد هیجان طلب، بالاتر از افرادی است که این ویژگی را ندارند.

هیجان خواهی نوعی صفت شخصیت است که با برانگیختگی و واکنش پذیری ارتباط دارد. فرد زیاد هیجان خواه، تحریک بیرونی مداوم مغز را ترجیح می دهد، از کارهای تکراری کسل می شود، و همواره در جستجوی راههایی برای افزایش دادن برانگیختگی از طریق تجربیات هیجان انگیز است. بطور کلی ویژگی هیجان خواهی مربوط می شود به اینکه سیستم عصبی مرکزی فرد تا چه اندازه ای به تغییر و تنوع نیاز دارد. افراد دارای هیجان خواهی بالا بهترین شکل فعالیت را در سطح بالای برانگیختگی مغزی نشان می دهند. آنها به انجام فعالیتهایی ترغیب می شوند که سطح برانگیختگی را افزایش دهند (زاگرم، ۱۹۹۴). زاگرم معتقد است که تفاوت‌های زیاد در میزان هیجان خواهی می تواند مشکلات

<sup>۱</sup>-Pastor, Ross, Segarra, Montañés, Poy, & Molto

<sup>۲</sup>-Claes, Vertommen, Smits & Bijttebier

<sup>۳</sup>-sensation seeking

<sup>۴</sup>-Wagner

ارتباطی ایجاد کند. این تفاوتها ممکن است در زمینه شغلی مشکلاتی را به وجود آورد و یا این افراد ممکن است به استفاده از الکل، ماری جوانا و مواد مخدر پرداخته و مشکلاتی را برای قانون، اجتماع و مدرسه ایجاد کند (زاگرم، ۱۹۹۴).

هیجان خواهی در گستره هیجانی، نتایج غیر قابل انکاری بر روابط بین فردی دارد. چون درجه هیجان خواهی در افراد بسیار متفاوت است، به نظر می رسد نظام شناختی و عاطفی در فرد بر پایه این خصیصه سازماندهی می شود. افراد هیجان خواه ویژگیهای شخصیتی خاصی دارند که رفتار آنها را در موقعیتهای مختلف هدایت می کند (محمی الدین بناب، ۱۳۷۵). به نظر می رسد که دربروز رفتارهای نابهنجار یا اختلالهای روانی نقشی اساسی ایفا می کنند (خداپناهی، ۱۳۷۶).

اختلالات شخصیت خوشه "ب" با خصوصیتی مانند هیجانی بودن، تکانشوری و بی نظمی مشخص می شوند (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰). و در کنار مفهوم تکانشگری<sup>۱</sup>، مفاهیمی مانند مخاطره جویی<sup>۲</sup>، هیجان خواهی و رفتارهای مخاطره جویانه<sup>۳</sup> نیز مطرح می باشند که عموماً مفاهیمی اختصاصی تر مانند نوجویی<sup>۴</sup>، آسیب پذیری<sup>۵</sup> و پاداش طلبی<sup>۶</sup> را به دنبال خواهد داشت. و نوجویی و آسیب پذیری پایین هسته رفتار تکانشی را تشکیل می دهد (آیزنک، ۱۹۸۵، زاگرم، ۱۹۹۳). مطالعات اندکی وجود دارد که ارتباط هیجان خواهی و اختلالهای شخصیت خوشه "ب" را بررسی کرده است. هیجان خواهی یک سازه<sup>۷</sup> توضیح دهنده مفید برای دسته ای از رفتارها و حالت‌های آسیب زا شامل آسیبهای

---

۱-impulsivity

۲-venturesomeness

۳-risk-taking behavior

۴-novelty seeking

۵-harm avoidance

۶-reward dependence

۷-Construct



روانی (دادرمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰)، شخصیت ضد اجتماعی (مونتگ و بیرنباوم<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶)، سومصرف الکل و رفتارهای ضداجتماعی (زاگرم، ۱۹۸۳) می باشد (نقل از اگان و همکاران ۲۰۰۱). بال، کارول و رونساویل<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) نیز نشان دادند که هیجان خواهی با شخصیت ضداجتماعی و دوره سومصرف دارو ارتباط دارد (نقل از آلوجا، کیواس، گارسیا و گارسیا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). بیماران دارای اختلال شخصیت نمایشی طالب هیجان هستند از این رو ممکن است خود را درگیر مسائل قانونی ساخته به مصرف دارو ها دست بزنند، یا بی مبالاتی جنسی نشان دهند (سادوک و سادوک، ۲۰۰۱). همچنین یکی از ویژگیهای افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، احساسهای مزمن کسالت و بی حوصلگی است که باعث می شود به دنبال تحریک و تجربه های شدید هیجانی برآیند (هالجین و ویتبورن، ۲۰۰۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۴).

مطالعه اگان، چارلزورث، ریچاردسون، بلایر و مک موران<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) با بررسی ارتباط هیجان خواهی و زیر مقیاسهای اختلالهای شخصیت از مقیاس MCMI-II<sup>۶</sup> نشان داد که هیجان خواهی بطور مثبت و معنادار با مقیاسهای اختلال شخصیت ضداجتماعی، خودشیفته و پرخاشگری-سادیستیک مرتبط است ولی هیچ ارتباط معناداری با مقیاسهای دیگر شخصیت یافت نشد. زیر مقیاس Dis از مقیاس هیجان خواهی زاگرم با مقیاسهای خودشیفته، ضداجتماعی و مرزی ارتباط مثبت و معناداری نشان داد و زیر مقیاس Bs مقیاس هیجان خواهی نیز به طور مثبت و معنادار با مقیاس ضداجتماعی مرتبط بود. آلوجا و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه خودارتباطی مثبت بین مقیاس Impss<sup>۷</sup> (شامل زیرمقیاسهای هیجان خواهی و تکانشوری) و شخصیت ضداجتماعی، خودشیفته و مرزی را نشان داد. و مطالعه هوانگ و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) نشان دادند که هیجان خواهی تکانشی سبکهای ضداجتماعی، نمایشی و مرزی را پیش بینی می کند.

باتوجه به مطالب مطرح شده ونیز با توجه به دامنه اندک پژوهشها در این زمینه، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط الگوهای شخصیتی ضداجتماعی، مرزی ونمایشی با متغیرهای هیجان خواهی و

---

۱-Daderman

۲-Montag&Birenbaum

۳-Ball,Carroll&Rounsaville

۴-Aluja,Cuevas,Garcia&Garcia

۵-Egan,Charlesworth,Richardson,Blair&Mcmurran

۶-Millon Multiaxial questionnaire-II

۷-Impulsive Sensation Seeking

۸-Huang&etal

سیستمهای مغزی-رفتاری می باشد تامشخص شود آیا هیجان خواهی و سیستمهای مغزی رفتاری قادر به پیش بینی هریک از الگوهای شخصیتی ضد اجتماعی، مرزی و نمایشی می باشند یا خیر؟

### اهمیت و ضرورت پژوهش

اختلال شخصیت یک اختلال شایع و مزمن است که شیوع آن بین ۱۰-۱۵ درصد جمعیت عمومی تخمین زده می شود (اسوارکیک، دراگانیک، هیل، بایان، پرزیبیک و کلونینجر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) و حدود نصف بیماران روان پزشکی به اختلال شخصیت مبتلا هستند که بطور مکرر با بیماریهای محور یک همراه است (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). این اختلال هم می تواند فرد را مستعد اختلالات دیگر روان پزشکی کند و هم با نتایج درمانی آنها تداخل کرده، ناتوانی و مرگ و میر این بیماران را افزایش دهد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). اختلال شخصیت، درماندگی و مشکلات ناشی از آن در تمام عمر دامن گیر فرد می شود، ولی انواع این اختلالات چه شدید و یا خفیف باشد، تمام جنبه های وجود شخص را متاثر می کند. درمان این اختلالات از دشوار ترین نوع درمانهای اختلالات روانشناختی می باشد (زیرامن، ۱۹۹۴).

اختلال های شخصیتی در زندگی کنونی و آینده فرد مبتلا نقش تعیین کننده ای دارند و برای خانواده و جامعه به شدت مخرب و آسیب زا هستند. این بیماران معمولا مشکلات زناشویی و خانوادگی دارند، در محیط کار مشکلات متعدد دارند و اخراج می شوند، در تحصیل نوسان ها و مشکلات فراوان دارند، بسیاری از جرایم شدید و خفیف را این بیماران انجام می دهند و بسیاری از زندانیان مبتلا به نوعی اختلال شخصیت هستند. اختلال های شخصیت مستعد کننده و زمینه ساز اصلی بسیاری از مشکلات پزشکی و روانپزشکی هستند. وضعیت شخصیتی افراد، متغیر مهمی در پیش بینی ابتلای به دیگر اختلال های روانی و چگونگی پاسخ آنان به شیوه های درمانی تلقی می شود (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰). بنابراین اختلالات شخصیتی یکی از مقاوم ترین مشکلات بالینی است که تشخیص الگوهای بالینی شخصیتی و اختلالات شخصیتی افراد در بسیاری از موارد موجب روشن علل بیماری های روانی، چگونگی گسترش و تجلیات آنها می شود (کهاجیا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

<sup>۱</sup>-Svrakik, Draganic, Hill, Bayan, Przybeek & cloninger

<sup>۲</sup>-Kehagia

بین اختلالهای شخصیت و رفتارهای جنایی رابطه وجود دارد. کرید در مطالعه خود نشان داد که در حدود ۶۹٪ از نمونه مجرمین، دچار اختلال شخصیت مرزی و ۵۵٪ دچار اختلال شخصیت ضداجتماعی می باشند (به نقل از آندری و اسکودل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). در بین مصرف کنندگان مواد اختلال شخصیت "ب" بیش از سایر اختلالهای شخصیت شیوع دارد و این درصد برای اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی بالاتر از سایرین است (بال و همکاران، ۱۹۹۵). بجز اختلالات وابسته به مواد، اختلال ضداجتماعی بیشترین ارتباط را با رفتار بزهکارانه بزرگسالان دارد (APA، ۲۰۰۴). نظریه شخصیت آیزنک (۱۹۷۱) به نقل از پوت واین و سامونز، ۲۰۰۲؛ ترجمه نجفی توانا، ۱۳۸۳) بر این اعتقاد قرار دارد که رفتارهای بزهکارانه از ویژگیهای شخصیتی خاص ناشی می شوند. به اعتقاد آیزنک احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در افرادی که نمره بالایی در برون گرایی و روان رنجوری دارند بیشتر است. ترکیب این دو ویژگی منجر خواهد شد که فرد بصورت مرتب به دنبال هیجان و تحریک پذیری باشد و همچنین به دلیل بالا بودن روان رنجوری فرد سعی نمی کند از اشتباهات و تنبیهات خود درس عبرت بگیرد در نتیجه روند اجتماعی شدن به درستی انجام نمی گیرد که در نتیجه احتمال رفتار بزهکارانه افزایش می یابد. با توجه به ارتباط بین اختلالهای خوشه "ب" با رفتارهای بزهکارانه دستیابی به تفاوتهای فردی و زمینه های زیستی-عصبی رفتارهای بزهکارانه اهمیت فزونی در شناسایی و کنترل این رفتارها دارد.

همچنین با در نظر داشتن دامنه محدود مطالعات داخلی و خارجی در زمینه پژوهشی حاضر، باید ذکر نمود که انجام این مطالعه به افزایش اطلاعات در این حیطه کمک خواهد کرد.

## اهداف پژوهش

### هدف کلی

پیش بینی الگوهای شخصیتی مرزی، ضداجتماعی و نمایشی براساس هیجان خواهی و سیستمهای مغزی رفتاری

<sup>۱</sup>-Andrey&Skodol

## اهداف اختصاصی

- ۱) تعیین نقش ترکیبی هیجان خواهی و سیستمهای مغزی-رفتاری در پیش بینی وقوع تغییرات الگوی شخصیت مرزی
- ۲) تعیین نقش هیجان خواهی در پیش بینی الگوی شخصیت مرزی
- ۳) تعیین نقش سیستمهای مغزی-رفتاری در پیش بینی الگوی شخصیت مرزی
- ۴) تعیین نقش ترکیبی هیجان خواهی و سیستمهای مغزی-رفتاری در پیش بینی وقوع تغییرات الگوی شخصیت ضداجتماعی
- ۵) تعیین نقش هیجان خواهی در پیش بینی الگوی شخصیت ضداجتماعی
- ۶) تعیین نقش سیستمهای مغزی-رفتاری در پیش بینی الگوی شخصیت ضداجتماعی
- ۷) تعیین نقش ترکیبی هیجان خواهی و سیستم های مغزی-رفتاری در پیش بینی وقوع تغییرات الگوی شخصیت نمایشی
- ۸) تعیین نقش هیجان خواهی در پیش بینی الگوی شخصیت نمایشی
- ۹) تعیین نقش سیستمهای مغزی-رفتاری در پیش بینی الگوی شخصیت نمایشی

## فرضیه‌های پژوهشی

- ۱) هیجان خواهی و سیستم های مغزی-رفتاری قادرند بصورت ترکیبی وقوع تغییرات الگوی شخصیت مرزی را پیش بینی کنند.
- ۲) هیجان خواهی قادر است تغییرات الگوی شخصیت مرزی را پیش بینی کند.
- ۳) سیستمهای مغزی-رفتاری قادرند تغییرات الگوی شخصیت مرزی را پیش بینی کنند.
- ۴) هیجان خواهی و سیستمهای مغزی-رفتاری قادرند بصورت ترکیبی وقوع تغییرات الگوی شخصیت ضداجتماعی را پیش بینی کنند.
- ۵) هیجان خواهی قادر است تغییرات الگوی شخصیت ضداجتماعی را پیش بینی کند.
- ۶) سیستمهای مغزی-رفتاری قادرند تغییرات الگوی شخصیت ضداجتماعی را پیش بینی کنند.